

تأثير هلنيسم بر هنر عصر سلوكي و اشكاني

مهري بيرانوندي

میراث خبر، گروه فرهنگ: به کارگیری رنگ های جالب، جذاب، زنده و متنوع و وجود مفرغ های کوچک و برخی تکه های سفالینه که آراسته به برگ نخل هستند و همچنین ظاهر شدن نقش های تمام رخ در هنر عصر اشکانی همگی از نشانه های آشکار نفوذ فرهنگ و تمدن یونانی (هلنیسم) بر هنر عصر سلوکی و اشکانی است.

پس از فتوحات اسکندر در ایران، تمدن و فرهنگ یونانی در سطوح مختلف تاثیر خود را بر جای گذاشت. این تاثیر در زمینه های سیاسی، مذهبی، هنری، معماری و شهرسازی و ... در دوره های سلوکی و اشکانی بر جای ماند و آثاری نیز از آن دوره ها به یادگار مانده است.

شاید تاثیر فرهنگ و تمدن یونانی در ایران، در هیچ زمینه ای به اندازه هنر آشکار نباشد و حتی بازگشت به شیوه زندگی و اندیشه ایرانی را در سیر تحول هنر، بیشتر می توان یافت.

نقاشی در دوره سلوکیان:

هنر نقاشی در دوره سلوکیان استمرار هنر سنتی یونانیان باستان است. هنر نقاشی را جز با مطالعه ظروف آن دوره نمی توان شناخت. درباره نقاشی های دیواری که بدون شك وجود داشتند، در دوره سلوکی چیزی نمی توانیم بگوئیم، زیرا از آنها چیزی به دست ما نرسیده است.

از هنرهای کوچک تنها قسمتی مفرغ های کوچک و برخی تکه های سفالینه که آراسته به برگ نخل هستند، سبک یونانی دارند.

به کارگیری رنگ های جالب، جذاب، زنده و متنوع ابتکار دیگری در هنر سلوکیان است که هیچ گاه آنان این کار را از نظر دور نمی داشته اند.

نقاشی در عصر اشکانیان:

نقاشی دیواری در زمان اشکانیان، توسعه بسیار یافته بود تا آنجا که دانشمندان عقیده دارند که یکنواختی نقوش برجسته این زمان ممکن است انعکاسی از نفوذ نقاشی در آن باشد.

در جنوب شرقی ایران در منطقه کوه خواجه در سیستان آثاری از نقاشی های دیواری در زمان اشکانیان پیدا شده است. این نقاشی ها که دیوارهای تالار بزرگ کاخ را تزیین می کرده است متعلق به سده نخستین میلادی است. در این نقوش، خدایان که بخشی از پیکر هر يك از آنها پشت پیکر خدای دیگر قرار گرفته است، همه به صورت تمام رخ نقاشی شده اند. (در این دوره برخلاف دوره های گذشته که اشخاص را از نیم رخ نشان می داد نقش های تمام رخ در هنر اشکانی ظاهر شد.)

روی دیوار بالای آن، نقشی از پادشاه و همسر او دیده می شود. شاه در این نقش بازویش را به گردن همسرش حلقه زده است. پیرامون پنجره های تالار، تماشاگران را بر حسب پایه و مقام به تصویر کشیده

اند. در این تصاویر مجدداً تأثیرات دیگری از هنر یونان به چشم می خورد.

لباس خدایان، یونانی است و یکی از آنها کلاه خودی بالدار مانند هرمس (خدای سپیده دم یونان باستان Hermes) دارد. کلاه در این تصویر دارای سه بال است که نشانی از ورثرغنه (خدای جنگ و پیروزی Veretragna) می باشد. یکی دیگر از خدایان، زوبین سه سر پوزئیدون (خدای دریا در اساطیر یونان Poseidon) را در دست دارد که در اینجا نشانه شیوا خدای هندی است. بزرگی هیکل خدایان و نیز چهره های افراد خانواده سلطنت همه از هنر هلنی یونان گرفته شده است و همچنین صورت های نگاشته شده بر سقف نیز شیوه یونانی داشتند از جمله آنها خدای اروس (خدای عشق و شهوت Eros) را بر پشت اسب و موضوعات دیگر یونانی کشیده بودند.

در نقاشی های دوره اشکانی، خصوصیات هنر اصیل ایرانی آشکار است و اگر هنر یونان در آن اثر گذاشته باشد، زیاد نیست. با توجه به آثار باقی مانده از کاخ اشکانی در کوه خواجه که نقاشی های بسیار زیبا و جالبی را از آن دوره نشان می دهد و به نظر می رسد که این ها ثابت می کنند که جریان و نفوذ هنر یونانی در کشور ایران زنده بوده است ولی می توان گفت که نفوذ هنر یونانی زودگذر و سطحی بوده است و چیزی جز تقلید نمی توان به آن نسبت داد.

هرتسفلد درباره نقاشی عهد اشکانیان تحقیقات زیادی کرده است و معتقد است که: «نقاشی این دوره را می توان ترکیب هنر نقاشی ایرانی و یونانی دانست ولی حفظ اصالت هنر ایرانی را در آثار این دوره می توان تأیید کرد.»

منابع:

- 1- احمد تاجبخش، تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام، دانشگاه ملی، تهران، 1355.
- 2- اردشیر خدادادیان، تاریخ ایران باستان، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380.
- 3- دولاندن، تاریخ جهانی، ترجمه احمد بهمنش، جلد اول، تهران، 1347.
- 4- رومان گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1355.
- 5- احسان یارشاطر، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت دوم، امیرکبیر، تهران 1377

source:

<http://www.chn.ir/Article/?id=351&section=2>

